

ذخرفیت فولاد سازی جهان

امکان دارد که پیش‌بینی مذکور بیش از حد خوشبینانه باشد چرا که احتمال می‌رود کاهش‌های درخور توجهی در ظرفیت فولادسازی کشورهای عضو «جامعه اقتصادی اروپا» (EEC)، ژاپن و ایالات متحده بوقوع به‌پیوندد. شایان ذکر است که ظرفیت فولادسازی کشورهای برزیل، چین، مکزیک، الجزایر، نیجریه، لیبی، ایران، هند، کره جنوبی و تایوان از افزایش چشمگیری برخوردار خواهد گردید.

در این میان ظرفیت فولادسازی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری احتمالاً از حدود ۵۰۰ میلیون تن مربوط به سال ۱۹۸۷ به حدود ۴۵۰ میلیون تن در اوایل دهه ۱۹۹۰ کاهش می‌یابد. در ایالات متحده، ظرفیت فولادسازی مجتمع‌های تولیدی زنجیره‌ای، دچار کاهش بیشتری میشود بطوریکه کل ظرفیت فولادسازی این کشور ۱۱۰ میلیون تن مربوط به سال ۱۹۸۷ به ۹۰ میلیون تن در سال ۱۹۹۵ تنزل پیدا میکند.

در ژاپن نیز مجتمع‌های فولادسازی میادرت به کاهش‌های عمده در ظرفیت‌های فولادسازی خود خواهند نمود و در نتیجه

براساس پیش‌بینی تحلیل‌گران موسسه تحقیقاتی "Paine Webber" (واقع در ایالات متحده)، تا پایان دهه جاری، ظرفیت تولید فولاد خام در جهان دچار کاهش خواهد شد، لکن سپس افزایش خواهد یافت بطوریکه در اواخر دهه ۱۹۹۰ به یک میلیارد تن در سال بالغ خواهد گردید. تحلیل‌گران موسسه مذکور در بررسی جدید خود اظهار می‌دارند که کاهش ظرفیت فولادسازی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بیش از افزایش ظرفیت فولادسازی در کشورهای در حال توسعه و نیز کشورهای سوسیالیستی میباشد.

ظرفیت اسمی فولادسازی جهان - که براساس اظهارات تحلیل‌گران موسسه "Paine Webber" میتواند تا ۱۵ درصد بیشتر از ظرفیت موثر فولادسازی باشد - در سال ۱۹۸۲ به اوج خود یعنی ۹۸۰ میلیون تن در سال بالغ گردید و در سال ۱۹۸۷ به ۹۵۰ میلیون تن تنزل پیدا کرد. پیش‌بینی می‌شود که ظرفیت اسمی فولادسازی جهان در سال ۱۹۹۲ به ۹۶۱ میلیون تن افزایش یافته و تا اواخر دهه ۱۹۹۰ نیز از حد یک میلیارد تن گذرد. معیناً

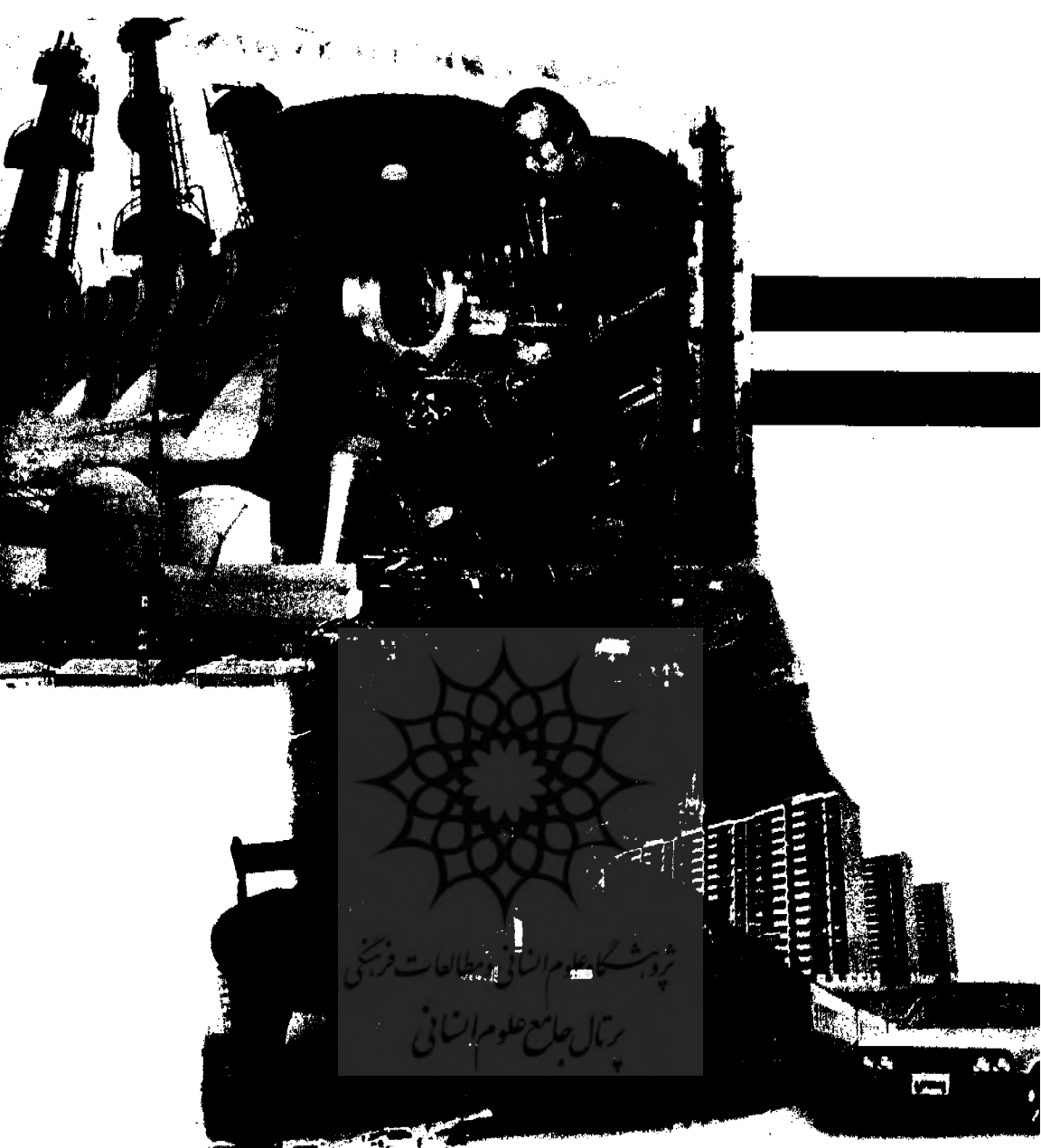
خواهد بود. بنابراین کل ظرفیت فولاد سازی این منطقه (باستثنای کشورهای عضو "EEC") در حدود ۵۵ میلیون تن بالاترین باقی خواهد ماند. همچنین در طی چند سال آینده، ظرفیت فولادسازی کشورهای واقع در اقیانوسیه و نیز کشورکانادا ثابت باقی می ماند و بترتیب برابر با ۱۰۷ و ۱۳ میلیون تن می باشد.

انتظار می رود که ظرفیت فولادسازی کشورهای در حال توسعه از رقم ۱۲۷ میلیون تن مربوط به سال ۱۹۸۷ به ۱۴۲ میلیون تن در سال ۱۹۹۰ و به ۱۶۴ میلیون تن در سال ۱۹۹۵ فزونی یابد. ظرفیت فولادسازی کشورهای آمریکای لاتین نیز از ۵۴ میلیون تن مربوط به سال ۱۹۸۷ به ۶۳ میلیون تن افزایش پیدا می کنند. در قاره آفریقا، برپائی سه مجتمع جدید فولادسازی - مجتمع «بلارا» در الجزایر، مجتمع «آجائوکوتا» در نیجریه و مجتمع «می سورتا» در لیبی - کلاً بیش از ۳ میلیون تن بر ظرفیت فولادسازی این قاره خواهد افزود بطوریکه ظرفیت تولیدی در سال ۱۹۹۲ به بیش از ۱۹ میلیون تن بالغ می شود.

انتظار می رود که ظرفیت فولادسازی دین کشور از ۱۵۳ میلیون تن مربوط به سال ۱۹۸۷ به حدود ۱۳۰ میلیون تن در سال ۱۹۹۰ کاهش یابد.

در کشورهای عضو "EEC" نیز لازم است که بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون تن از ظرفیت ۱۵۴ میلیون تنی مربوط به سال ۱۹۸۷ کاسته گردد لکن هنوز تصمیمی در مورد میزان دقیق کاهش مورد لزوم و نیز مجتمع هائی که می باید مبادرت به این کاهش نمایند اتخاذ نگردیده است. چنین پیش بینی می شود که ظرفیت فولادسازی کشورهای عضو "EEC" در سال ۱۹۹۰ به ۱۴۶ میلیون تن بالغ شود و در صورتی که بتوان بر موانع سیاسی و اجتماعی مربوط به کاهش ظرفیت های تولیدی نیز فائق گردید میزان ظرفیت تولیدی چیزی در حدود ۱۴۲ میلیون تن خواهد بود.

در سایر کشورهای اروپائی نیز کاهش ظرفیت در بعضی در اثر افزایش ظرفیت در تعدادی دیگر، خنثی می شود. مثلاً کاهش ظرفیت فولادسازی کشورهای اسپانیا، سوئد و اتریش، با افزایش ظرفیت فولاد سازی کشورهای ترکیه و یوگسلاوی توأم



فولادسازی منطقه خاورمیانه نیز از ۸ میلیون تن مربوط به سال ۱۹۸۷ به ۱۳ میلیون تن در سال ۱۹۹۵ افزایش پیدا میکنند.

کشورهای در حال توسعه آسیا نیز که در سال ۱۹۸۷ از ظرفیتی معادل ۶۹ میلیون تن برخوردار بودند، در سال ۱۹۹۲

در بین کشورهای خاورمیانه، افزایش ظرفیت فولادسازی در کشورهای مصر و ایران تداوم خواهد داشت بطوریکه تا سال ۱۹۹۱ ظرفیت فولادسازی ایران تقریباً به سه برابر میزان کنونی آن فزونی می‌یابد. برطبق بررسی بعمل آمده توسط تحلیلگران موسسه "Paine Webber" کل ظرفیت

۱۹۸۷ برابر با ۷۸ میلیون تن بوده است پیش‌بینی میشود که با افزایش ظرفیت تولیدی خود روبرو گردند بطوریکه میزان آن در سال ۱۹۹۰ به ۸۴ میلیون تن بالغ شده و سپس تا چندین سال ثابت باقی بماند.

ظرفیت فولادسازی کشور چین نیز از ۳۷ میلیون تن مربوط به سال ۱۹۷۷ به ۵۳ میلیون تن در سال ۱۹۸۷ فزونی یافت و انتظار می‌رود که در آینده برشتاب این افزایش بازهم افزوده گردد. پیش‌بینی میشود که ظرفیت فولادسازی این کشور در سال ۱۹۹۲ برابر با ۶۸ میلیون تن و در سال ۱۹۹۵ نیز معادل یا ۷۷ میلیون تن شود. همچنین برنامه‌های جدید توسعه صنعت فولاد کره‌شمالی نیز حاکی از آن است که ظرفیت تولید فولاد خام کشور مذکور می‌باید از ۹۸ میلیون تن مربوط به سال ۱۹۸۷ به بیش از ۱۷ میلیون تن در سال ۱۹۹۲ افزایش پیدا کند.

میزان ظرفیت تولید فولاد خام خود را به ۶۳ میلیون تن و در سال ۱۹۹۵ نیز به ۶۸ میلیون تن افزایش خواهد داد. بخش اعظم افزایش ظرفیت فولادسازی این منطقه مربوط به چهار کشور کره‌جنوبی، هند، تایوان، و پاکستان خواهد بود.

در مورد کشورهای سوسیالیستی نیز پیش‌بینی میشود که ظرفیت فولادسازی آنها از رقم ۳۲۵ میلیون تن مربوط به سال ۱۹۸۷ به ۳۴۵ میلیون تن در سال ۱۹۹۰ و به ۳۷۶ میلیون تن در سال ۱۹۹۵ افزایش یابد. در اتحاد شوروی تاکید بر مدرنیزه‌سازی و نه توسعه ظرفیت مجتمع‌های موجود است لکن افزایش ظرفیت تولیدی در تعدادی از مجتمع‌ها - از جمله در مجتمع فولادسازی «زاپ‌سیب» و «استاری اوسکول» - منجر به افزایش ظرفیت فولادسازی این کشور از ۱۸۴ میلیون تن به ۱۸۹ میلیون تن در سال ۱۹۹۲ خواهد گردید. در مورد کشورهای اروپای شرقی نیز که ظرفیت فولادسازی آنها در سال